

حقوق مدنی ۴

الزامات خارج از قرارداد

منبع درسی:

کتاب دوره مقدماتی حقوق مدنی، بخش وقایع حقوقی، نوشته دکتر ناصر کاتوریان
کتاب اصول مسئولیت مدنی، نوشته پاتریس ژوردن، ترجمه مجید ادیب

در حوزه مسئولیت مدنی، در مسائل مشابه، اظهار نظرهای متفاوتی ارائه شده است و از آنجا که بسیاری از مباحث مطروحه از نظام های حقوقی دیگر اقتباس شده است بنابراین لازم است دانشجویان حقوق تا حدودی، با نظام های حقوقی دیگر از جمله نظام حقوقی فرانسه در زمینه مباحث مربوط به مسئولیت مدنی آشنایی داشته باشند.

در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می شوند بحث از مسئولیت مدنی است که خارج از قرارداد پدید آمده است.

وقایعی که اتفاق می افتند:

- وقایع طبیعی مانند سیل، زلزله ...
- وقایع حقوقی به معنای عام:
- وقایع حقوقی به معنای خاص مانند: اتلاف سبب، نصب و ...
- اعمال حقوقی:
- عقد
- ایقاع

وقایع طبیعی:

وقایعی که به هیچ عنوان دارای اثر حقوقی نیستند تحت عنوان وقایع طبیعی شناخته می شوند و مورد توجه حقوقدانان نیستند.

وقایع حقوقی به معنای عام:

هر واقعه ای که در اطراف ما اتفاق می افتد و دارای اثر حقوقی است و این واقعه حقوقی در معنای عام به اعمال حقوقی و وقایع حقوقی به معنای خاص تقسیم می شود.

اعمال حقوقی:

وقایع حقوقی در معنای عام که متضمن آثار حقوقی هستند و در نتیجه اراده بوجود می آیند. اعمال حقوقی زاده اراده و تراضی هستند، به عقود و ایقاعات تقسیم می شوند.

وقایع حقوقی در معنای خاص:

کلیه اتفاقاتی که متحمل شدن آثار حقوقی بر آنان مبتنی بر اراده نیست و اثر آن به حکم قانون معین می شود. آنچه که در حقوق مدنی ۴ بررسی می کنیم، در حوزه الزامات و تعهداتی است که بدون اراده افراد و به حکم قانون و در نتیجه یک واقعه حقوقی بر عهده آنان قرار می گیرد.

مفهوم مسئولیت مدنی:

در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد.

مثال ۱: اگر شخص "الف" قراردادی را با شخص "ب" منعقد کند و شخص "الف" تعهد نماید که ساختمانی را در موعد مقرر به شخص "ب" (متعهدله) تحویل دهد. اگر شخص "الف" از انجام تعهد امتناع نماید و به این علت خسارتی متوجه شخص "ب" گروه این نوع ورود خسارت است، اما ورود خسارتی که در اثر تخلف از اجرای قرارداد بوجود آمده است. اما به هر حال نوعی مسئولیت مدنی است چون بحث جبران خسارت مطرح است.

مثال ۲: اگر شخصی هنگام عبور از خیابان در اثر سقوط در چاله ای که توسط شهرداری ایجاد شده است، خسارت ببیند، این فرد دنبال کسی خواهد گشت که او را به عنوان مسئول معرفی کند و از او بخواهد تا خسارت وارد شده به او را جبران نماید در اینجا هم بحث مسئولیت مدنی مطرح است.

نکته:

بطور کلی به هر گونه خسارتی که ایجاد شود و در صدد ترمیم این خسارت باشیم، بحث مسئولیت مدنی مطرح می شود اعم از اینکه این مسئولیت مدنی در نتیجه نقض قرار داد بدیه آید یا در نتیجه ارتکاب عمل نامشروعی که قانون آن را جرم شناخته است و یا در اثر ارتکاب عمل نامشروعی که قانون آن را جرم شناخته است.

در مبحث مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری، مسئولیت اخلاقی و ... مطرح نیست. بلکه آنچه مورد توجه است مسئولیت به جبران خسارت است و حقوق باید قواعدی برای مشخص کردن مسئولیت داشته باشد.

نکته:

آنچه در حقوق مدنی ۴ تحت عنوان الزامات خارج از قرارداد مورد بحث قرار می گیرد. مسئولیت مدنی غیر قراردادی است هر چند میان مسئولیت مدنی قراردادی و مسئولیت مدنی غیر قراردادی از لحاظ ارکان مسئولیت تفاوتی دیده نمی شود.

مبانی مسئولیت:

در بحث مبانی مسئولیت مدنی از این مسئله صحبت می شود که ما چرا یک شخص را مسئول جبران خسارت دیگری می دانیم" به این علت که تقصیر کرده است یا اینکه چون خسارت وارد کرده است؟ (اعم از اینکه تقصیر کرده باشد یا نه)

منابع مسئولیت:

هنگامی که از منابع مسئولیت صحبت می کنیم در واقع می خواهیم عناوین مختلفی را که در قانون مدنی و قوانین دیگری به بحث ایجاد مسئولیت پرداخته اند معرفی می کنیم، مانند:

۱- غصب و آنچه در حکم غصب است

۲- اتلاف

۳- تسبیب

۴- استیفاء

ارکان مسئولیت:

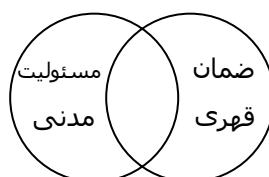
مطلب بعدی که در حقوق مدنی ۴ بدان خواهیم پرداخت بحث ارکان مسئولیت است. در بررسی ارکان مسئولیت در واقع بدین مطلب توجه می کنیم که برای تحقق مسئولیت مدنی چه شرایطی بایستی موجود باشد.

مسئولیت‌های خاص و مختلط:

آثار مسئولیت مدنی (نحوه جبران خسارت):

نکته: گاهی اوقات بحث از ضمان قهری مطرح می شود (ضمان قهری، یعنی تعهد و الزامی که قهراً بوجود می آید، اما بحث جبران خسارت مطرح نیست) مانند استیفاء از مال غیر.

رابطه میان ضمان قهری و مسئولیت مدنی:



رابطه میان ضمان قهری و مسئولیت مدنی عموم و خصوص من وجه است:

همه مسئولیتهای مدنی قهری نیستند در مقابل برخی ضمانتهای قهری ناظر به مسئولیت مدنی است و برخی دیگری از ضمانتهای قهری مسئولیت مدنی به دنبال ندارد.

در حقوق مدنی ۴ به بحثهای غصب و استیفاء نخواهیم پرداخت چون این مباحث را در حوزه مسئولیت مدنی نمی دانیم و در کتاب وقایع حقوق هم مبحث غصب و استیفاء چندان مفصل مورد توجه قرار نگرفته است.

بحث ما بیشتر بر روی مسئولیت مدنی به معنای جبران خسارت متمرکز است اگر هم به بحث غصب می پردازیم به خاطر نحوه جبران خسارت در زمان تلف مال مغضوبه است.

فصل اول

مبانی و منابع مسئولیت

- **مبحث اول:** مبانی نظری مسئولیت
- **مبحث دوم:** منابع مسئولیت

در مبحث مبانی مسئولیت سئوال اصلی ما این است که چرا یک شخص را در برابر شخص دیگری مسئول کیفری خسارت می دانیم؟
سئوال: آیا مبناي مسئولیت نظریه تقصیر است یا نظریه خطر؟

نظریه تقصیر:

پیروان نظریه تقصیر فقط کسی را مسئول می شناختند که عمل او قابل سرزنش باشد. در واقع معیار مسئول شناختن افراد و ملزم نمودن آنان به جبران خسارت داوری عرف بود که بایستی عمل فرد را قابل نکوهش می دانست. بتدریج جریاناتی بوجود آمد که نظریه تقصیر را از این معیار اخلاقی دور نمود. چون در بسیاری مواقع خسارت وارده بر افراد زیان دیده با استفاده از این معیار قابل جبران نبود.

انتقاد از نظریه تقصیر:

خطراتی که در جامعه در اثر پیشرفتهای صنعتی در اواخر قرن نوزدهم بوجود آمد زندگی اجتماعی را با خطرات عدیده ای مواجه نمود، در این فضای پیچیده پیدا کردن شخص مقصر و اثبات تقصیر مشکل شد.

نظریه خطر:

براساس این نظریه هر شخص مسئول خساراتی است که از ناحیه او وارد شده است اعم از اینکه عمل او قابل نکوهش باشد یا نه، نظریه خطر قلمرو مسئولیت را گسترده تر نمود.

تعدیل نظریه تقصیر:

حقوقدانان طرفدار نظریه تقصیر برای مقابله با نظریه خطر سعی نمودند، تا حدودی نظریه تقصیر را تعدیل نمایند و این نظریه را با وضعیت جامعه صنعتی هماهنگ نمایند به همین خاطر برای رفع عیوب نظریه تقصیر، این نظریه را از دو جهت تعدیل نمودند:

- ۱- معیار نظریه تقصیر را از معیار شخصی به معیار نوعی تغییر دادند.
- ۲- پیروان نظریه تقصیر مشاهده نمودند که در برخی جاها اثبات تقصیر مشکل است به همین خاطر از **اماره قانونی و یا اماره قضایی** برای فرض تقصیر استفاده کردند.

راه حل دیگری که پیروان نظریه تقصیر برای تعدیل این نظریه در پیش گرفتند، **گسترش مسئولیتهای قراردادی بود**؛ در مسئولیت قراردادی کافی است زیان دیده ثابت کند که طرف او به تعهد خویش عمل نکرده است. پس اگر بتوان تکلیف عامی را که اشخاص درباره احتیاط کردن و فرزندان دیگر دارند به قراردادی منسوب کرد، زیان دیده از اثبات تقصیر معاف می شود.

نکته: تفاوت فرض تقصیر و فرض مسئولیت:

فرض تقصیر:

در این موارد **شخص مقصر شناخته می شود مگر اینکه بتواند عدم تقصیر خود را ثابت نماید** (مثل تصدی حمل و نقل در قانون تجارت- ماده ۲۸۶ قانون تجارت)

فرض مسئولیت:

در این مورد **حتی اگر عامل زیان ثابت نمایند که مقصر نبوده است باز هم مسئول جبران خسارت است و فقط در حالی می تواند از جبران خسارت معاف شود که ثابت کند قوه قاهره (فورس ماژور) باعث ورود خسارت شده است.**

نتیجه:

امروزه نظام مسئولیت مدنی و بحث جبران خسارت دارای قوانین خاصی است و بایستی با مطالعه قوانین وجود در هر زمینه باید دید که در هر زمینه قانونگذار چه رویه ای را در پیش گرفته و از کدامیک از نظریات استفاده نمود است.

سئوال: در موارد تردید، به کدامیک از نظریات می توان استناد کرد؟ نظریه تقصیر با نظریه خطر؟

این مسئله مورد اختلاف حقوقدانان است ولی نظریه مشهور متمایل بر نظریه تقصیر است و معتقد است که بایستی خساراتی را جبران کرد که از روی تقصیر ایجاد شده است.

برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که در نظام حقوقی ایران نظریه تقصیر پذیرفته نیست و از نظر قانونگذار آنچه مهم است جبران خسارت زیان دیده است و هر نوع خسارت ناروا بایستی جبران شود.

نکته:

این مسئله که در نظام حقوقی ما مسئولیت بر پایه نظریه تقصیر استوار است به سختی قابل پذیرش است البته مقرراتی داریم که هنگام تشخیص عامل زیان، عرف حادثه را منتسب به کسی می داند که مرتکب تقصیر شده است نه اینکه وجود تقصیر را مبنای مسئولیت قلمداد کند.

هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام حقوقی فرانسه که نظام حقوقی ما را تحت تأثیر قرار داده است، مصادیق مختلف مسئولیت مقررات خاص خود را دارد. با توسعه مسئولیت های مختلف سعی شده است که با محیط خطرزایی که در اطراف ما وجود دارد مقابله شود و به نحوی که بتوان تا حدودی جبران خسارت و اثبات تقصیر را آسان تر نمود.

مبحث دوم: منابع مسئولیت

وقتی از منابع مسئولیت صحبت می شود یعنی اعمالی که باعث ایجاد مسئولیت می شود.

عناوین ضمان قهری:

در ماده ۳۰۷ قانون مدنی در زیر مجموعه ضمان قهری از چهار عامل یاد می شود:

۱- غصب و آنچه در حکم غصب است

۲- اتلاف

۳- تسبیب

۴- استیفاء

برخی از این عناوین صرفاً ضمان قهری ایجاد می کنند یعنی اینکه التزام می کنند بدون اینکه مسئله جبران خسارت مطرح باشد مثل استیفاء و برخی از این عناوین مسئولیت مدنی ایجاد می کنند.

البته عناوین دیگری هم در قانون مدنی وجود دارند که نوعی ضمان قهری ایجاد می کنند:

۱- ایفای ناروا (مواد ۳۰۱ تا ۳۰۵ قانون مدنی)

۲- اداره مال غیر (ماده ۲۰۶ قانون مدنی)

بررسی عناوین ضمان قهری در قانون مدنی:

۱- غصب

در ماده ۳۰۸ قانون مدنی غصب اینگونه تعریف شده است "غصب استیلاء بر حق غیر است به نحو عدوان اثبات، بر مال غیر بودن مجوز در حکم غصب است"

وقتی شخص بر مال غیر مسلط شود مکلف به بازگرداندن آن است در این مورد حقوقدانان به قاعده فقهی "علی الید ما اخذت حتی تؤدی" استناد می کنند.

نکته:

چنانچه مال در نزد غاصب یا کسی که در حکم غاصب است تلف شود این شخص ضامن عین و منافع مال مغصوبه می باشد چنانچه مال متکی باشد بایستی مثل آن و اگر قیمی باشد قیمت آن را به مالک بپردازد و این نوعی مسئولیت مدنی به جبران خسارت است.

بایستی به این نکته توجه کرد که در خصوص غصب رابطه سببیت لازم نیست چنانچه مال حتی بوسیله قوه قاهره مثل سیل و زلزله و ... از بین برود باز هم شخص غاصب مسئول پرداخت خسارت است بدون اینکه عمل منتسب به او باشد چون مال در حوزه مسئولیت عینی شخص قرار داشته است و از این لحاظ غصب با اتلاف و حتی تسبیب تفاوت دارد.

۲- اتلاف

تفاوت تلف با اتلاف:

وقتی می گوئیم اتلاف یعنی تلف کردن و فعل متعدی است ولی وقتی می گوئیم تلف یعنی تلف شدن، یعنی مال خودش تلف می شود.
در فقه وقتی در مورد اتلاف صحبت می شود، اتلاف به دو شاخه تقسیم می شود:

- اتلاف بالمباشره
- اتلاف بالتسبیب

اتلاف بالمباشره:

در جایی که شخص مستقیماً عملی را مرتکب شود که مال غیر تلف گردد این مورد را اتلاف بالمباشره می گویند این موضوع در ماده ۳۲۸ قانون مدنی ذکر شده است "هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت، و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است"

اتلاف بالتسبیب:

در جایی که شخص شرایط تلف مال شخص دیگری را فراهم کند ولی مستقیماً این کار را انجام ندهد، ماده ۳۳۱ قانون مدنی در این زمینه عنوان می کند "هر کس سبب تلف مالی بوشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت برآید"

نکته:

قانون مدنی در حال حاضر عنوان اتلاف و تسبیب را از هم تفکیک کرده است.

تفاوت‌های میان اتلاف و تسبیب:

هم در اتلاف و هم در تسبیب به هر حال مال غیر تلف شده است، اما بایستی به این نکته توجه کرد که در اتلاف تقصیر و اثبات تقصیر لازم نیست چون همه ما قانوناً متعهد به حفظ مال دیگران هستیم و اگر در اثر بی احتیاطی ما مال متعلق به دیگران تلف شود مسئول هستیم چون به نوعی تعهد قانونی خود را زیر پا گذاشتیم ولی در تسبیب شخص به طور غیر مستقیم سبب تلف مال غیر می شود.

در کتب حقوقی میان اتلاف و تسبیب تفاوت‌هایی را قایل شده اند که البته ایراداتی بر آنها نیز وارد است:

- ۱- در اتلاف تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست ولی در تسبیب، کاری که به مسبب نسبت داده می شود باید در نظر عرف، عدوان و خطا باشد. بایستی به این نکته توجه کرد که از نظر عرف در اتلاف هم نوعی تقصیر وجود دارد از طرف دیگر در نظر فقهاء نیز اتلاف و تسبیب دارای مبنای واحد بوده اند.
- ۲- در اتلاف شخص بطور مستقیم مال دیگری را تلف می کند ولی در تسبیب برای اتلاف مقدمه سازی می شود و احتمال دارد که آن مقدمه هیچ گاه به اتلاف منجر نشود.

اجتماع سبب و مباشر:

ماده ۳۳۲ قانون مدنی "هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب، مگر اینکه مسبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد"

آن چیزی که سبب مسئولیت می شود بحث اتلاف است، در اجتماع سبب و مباشر، عرف علی الاصول تلف را مستند به مباشر می داند و رابطه علیت بین عمل مباشر و ورود تلف وجود دارد و مباشر را مسئول می دانیم ولی گاهی اوقات نقش سبب آنچنان تأثیرگذار می شود که اثر عمل مباشر کمرنگ می گردد و در این حالت سبب را مسئول می شناسیم.

نکته:

اگر نحوه دخالت مباشر و مسبب در نظر عرف یکسان باشد، چه کسی مسئول است؟ عده ای معتقدند در این وضعیت باید هر دو شخص را مسئول شناخت ولی به نظر می رسد نظر صحیح تر این است که در صورت تساوی تأثیر سبب و مباشره ما مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی تخلف از اصل زمانی ممکن است که سبب اقوی باشد. پس در حالتی که مباشر و مسبب تأثیر مساوی دارند بایستی مسئولیت را متوجه مباشر نمود.

دیگر منابع مسئولیت مدنی:

- ۱- قانون مسئولیت مدنی مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۳۹
- ۲- قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷

۱- ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹: "هر کس بدون مجور قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر می شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد"

رابطه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی با ماده ۳۲۸ قانون مدنی ظاهراً متعارض است.

اکثریت حقوقدانان معتقدند که ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ناسخ ماده ۳۲۸ قانون مدنی نیست.

ماده ۳۲۸ قانون مدنی ناظر بر تلف مستقیم مال است ولی ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در مورد تلف غیر مستقیم مال است بنابراین ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی با ماده ۳۲۸ قانون مدنی موضوعاً تفاوت دارند بنابراین بحث تعارض و نسخ مطرح نخواهد شد.

۲- قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷:

به موجب ماده ۱ قانون بیمه اجباری برای دارنده فرض مسئولیت شده است و این ماده به عنوان یکی از منابع مسئولیت مدنی شناخته می شود.

براساس این ماده، به هیچ صورتی دارنده وسیله نقلیه از مسئولیت معاف نمی شود مگر اینکه فورس مازور را ثابت نماید. البته فعل شخص ثالث و فعل خود زیان دیده نیز در حکم قوه قاهره است چون منتسب به شخص دارنده نخواهد شد.

نتیجه گیری:

اصولاً از آنجا که وارد نمودن خسارت بر دیگران نارواست، بنابراین کسی که این کار را انجام داده است بایستی از عهده جبران خسارت برآید. حال اگر فردی مستقیماً موجب تلف مال غیر شود بحث اتلاف مطرح می شود و در اتلاف تقصیر شرط نیست و اگر تلف به صورت غیر مستقیم باشد در حوزه تسبیب قرار می گیرد. بایستی برای منتسب نمودن ضرر به شخص مسبب دنبال عنصر تقصیر نیز باشیم او را مسئول جبران خسارت بدانیم.

در نظر عرف اگر بخواهیم مسئولیت بدون تقصیر را بپذیریم بایستی بصورت استثنایی به آنها توجه کنیم، در دنیای امروز به علت توسعه صنعت بیمه، قانونگذاران به خاطر اینکه خسارتها جبران شوند، بیمه را در حوزه های مختلفی وارد نموده اند و این مسئله بطور ضمنی باعث شده است که حقوقدانان به توسعه مسئولیتهای بدون تقصیر تمایل پیدا کنند، ولی مسئولیت بدون تقصیر هنوز جنبه استثنایی خود را حفظ کرده است.

فصل دوم

ارکان مسئولیت

برای تحقق مسئولیت در همه حال وجود سه عنصر ضرورت دارد:

- ۱- وجود ضرر
- ۲- ارتکاب فعل زیانبار
- ۳- رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارد شده است.

مبحث اول: وجود ضرر

گفتار نخست: مفهوم و اقسام ضرر

هر جا که نقصی در اموال ایجاد شد یا منفعت مسلمی از دست برود و یا به سلامتی و حیثیت شخص لطمه ای وارد آید، می گویند ضرری به بار آمده است.

خسارت ناشی از عدم النفع:

اگر فعل زیانبار از پیدایش یک منفعت جلوگیری نماید (عدم النفع) آیا قابل جبران است یا نه؟

ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی (قانون سابق): ضرر ممکن است بواسطه از بین رفتن مالی باشد یا بواسطه فوت شدن منفعتی، که از انجام تعهد حاصل می شده است.

در قانون سابق آئین دادرسی مدنی سابق خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه بوده است.

ولی در حال حاضر بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ و نیز تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ قابل توجه است.

نکته:

منافع ممکن الحصول که در نتیجه جرم، مدعی خصوصی از آن محروم شده باشد غیر از عدم النفعی است که قابل مطالبه نیست. پس تعارض بین مواد فوق الذکر وجود ندارد.

ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری با ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی تعارضی ندارد چون این دو ماده موضوعاً با هم متفاوت هستند.

منظور از منافع ممکن الحصول در بند ۲ ماده ۹ بایستی منافی باشد که اولاً به خاطر جرم از آن محروم شده باشند ثانیاً منافع ممکن الحصول یعنی منافی که مقدمات ایجاد آن فراهم بوده است.

ضرر ناشی از تضييع حق يا از بين رفتن موقعيتها:

با تصویب قانون جدید آئین دادرسی کیفری بطور آشکار دیده می شود که در ماده ۹ این قانون مطالبه ضرر و زیان معنوی حذف شده است بنابراین می توان گفت که مطابق این ماده ضرر و زیان معنوی قابل مطالبه نیست.

سؤال: آیا خسارت معنوی قابل مطالبه است یا خیر؟

در وجود خسارت یا ضرر معنوی شکی نیست اما در این مورد که آیا خسارت معنوی را می توان با پرداخت پول جبران کرد بین حقوقدانان اختلاف نظر است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ اعلام می کند که هر نوع ضرری چه مادی و چه معنوی بایستی جبران شود، اما بعد از انقلاب شورای نگهبان این مسئله را نپذیرفت چون خسارت معنوی را قابل ارزیابی به پول نمی دانست. در حقوق ایران به لحاظ موازین فعلی بایستی گفت ضررهای معنوی قابل مطالبه نیستند.

به استثناء مقررات فعلی خسارت معنوی قابل مطالبه نیست و آن قیمت از ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که مربوط به مطالبه خسارت معنوی است منسوخ شده است.

اما به لحاظ نظری بایستی گفت که آیا ارزیابی به پول و پرداخت آن می تواند خسارتهای معنوی را جبران نماید؟ ضررهای معنوی قابل ارزیابی به پول نیست ولی پرداخت پول تا حدودی می تواند باعث آرامش فرد شود و این نوع از جبران بهتر از نادیده گرفتن صدمه های روحی است.

نکته:

گاهی اوقات خسارت معنوی باعث لطمه و خسارت مادی می شود مثلاً لطمه به شهرت تجار، شهرت تجاری یک نوع سرمایه تجاری است و جنبه مالی دارد هر چند نیز مادی است و خسارت وارده بر آنها قابل مطالبه بوسیله پول می باشد.

گفتار دوم: شرایط ضرری که قابل مطالبه است

الف) ضرر باید مسلم باشد

ب) ضرر باید مستقیم باشد

ج) ضرر باید جبران نشده باشد.

الف) مسلم بودن ضرر

در مورد مسلم بودن ضرر بایستی گفت: ضرری قابل مطالبه است که در دید عرف و به نظر قانون مسلم باشد و به صرف اینکه احتمال ورود زیان رود نمی توان کسی را به جبران خسارت محکوم کرد.

ب) ضرر باید مستقیم باشد

ضرری قابل مطالبه است که بی واسطه و مستقیم باشد مقصود از بی واسطه بودن ضرر این است که بین فعل زیانبار و ضرر حادثه دیگری وجود نداشته باشد چندان که بتوان گفت ضرر در نظر عرف از همان فعل ناشی شده است. برای نشان دادن ضرر غیر مستقیم و با واسطه بطور معمول از مثال حقوقدانان فرانسوی، پوتیه (pothier) استفاده می شود. آنچه اهمیت دارد این است که بایستی بین ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت عرفی برقرار کنیم.

نکته:

در حوزه غصب مسئولیت غاصبین عینی است و احراز رابطه سببیت لازم نیست. البته این یک وضعیت استثنایی است که صرفاً در حوزه حاکم است.

ج) ضرر باید جبران نشده باشد

هیچ ضرری را بیش از یکبار نمی تون جبران نمود. ماده ۳۱۹ قانون مدنی "اگر مالک تمام یا قسمتی از مال معضوب را از یکی از غاصبین بگیرد حق رجوع به قدر مأخود را به غاصبین دیگر ندارد.

نکته:

آیا در حقوق ایران حکم به خسارت مازاد بر دیه می توان صادر کرد؟ اختلاف نظر زیادی در این زمینه وجود دارد؛ یک رأی اصراری در این مورد وجود دارد که عنوان می کند "وقتی دادگاه حکم به پرداخت دیه داد، شخص زیان دیده نمی تواند به موجب همان سبب مطالبه خسارت دیگر از قبیل هزینه درمان، هزینه های بیمارستان و ... را بنماید"

اما به نظر می رسد نظر صحیح تر این باشد که: شارع دیه را از جهت زیان به جسم انسان پذیرفته است. اما هزینه های بیمارستان، دکتر و ... خساراتی است که به اموال فرد زیاد دیده وارد شده است و این یک ضرر مادی است و از باب تسبیب قابل مطالبه است.

ایراد مسئول و اسقاط حق:

ماده ۲۲۱ قانون مدنی در خصوص غصب بیان می داد "هرگاه مالک ذمه یک یاز غاصبان را نسبت به مثل یا قیمت مال معضوب ابراء کند، حق رجوع به غاصبین دیگر را نخواهد داشت"

نکته:

اسقاط حق رجوع در برابر یکی از غاصبان مانع از رجوع به دیگران نیست.

جبران خسارت بوسیله بیمه:

زمانی که بیمه، بیمه مسئولیت باشد (مانند بیمه اشخاص) در اینجا شخص زیان دیده حق رجوع به عامل زیان را ندارد چون خسارت خود را از بیمه دریافت نموده است.

اما زمانی که بیمه، بیمه مسئولیت نباشد مانند بیمه عمر، وارثان می توانند علاوه بر مطالبه سرمایه بیمه عمر از شرکت بیمه، خسارت دیه را نیز از شرکت بیمه دریافت کنند و جمع این دو مورد بلامانع است.

مبحث دوم: فعل زیانبار

گفتار نخست: عنصر نامشروع بودن

بایستی برای شناسایی فعل زیانبار معیاری داشته باشیم. برخی نظامهای حقوقی برای شناسایی فعل زیانبار عنصر تقصیر را معیار قرار داده اند و در برخی نظام های حقوقی دیگر معیار نامشروع بودن یا غیر قانون بودن را عنوان نموده اند. در حقوق ایران با توجه به قانون مدنی و موازین فقهی، ضرر رساندن به دیگران اصولاً غیر مجاز است مگر اینکه عواملی وجود داشته باشد که انسان را از مسئولیت معاف کند.

عناوین معاف کننده:

پاره ای از افعال، با اینکه موجب زیان رساندن به دیگران می شود ولی مسئولیتی برای عامل زیان ایجاد نمی کند. در این گونه موارد به لحاظ طبیعت کاری که انجام شده و یا به موجب حکم قانون، نمی توان فعل ارتكابی را نامشروع نامید و یا آن را تقصیر شمرد.

- ۱- دفاع مشروع
- ۲- حکم قانون یا مقام صالح
- ۳- اجبار یا اکراه
- ۴- غرور
- ۵- اضطرار
- ۶- اجرای حق
- ۷- رضایت زیان دیده

۱- دفاع مشروع

در موردی که شخص برای جلوگیری از ضرری که دیگری می خواسته وارد کند به او زیان می رساند عمل او را دفاع مشروع می نامند و چون این عمل در مقام دفاع صورت گرفته سبب معاف شدن از مسئولیت می گردد. در این مورد ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی قابل توجه است.

در ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی هم آمده است "کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود، مسئول خسارت نیست، مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع بشاد" دفاع فقط بایستی در مقابل شخص متعددی باشد با بتواند از جبران خسارت معاف شود.

۲- حکم قانون یا مقام صالح

اگر شخصی در اجرای دستور آمر قانونی، اقدام به عمل نماید که سبب خسارت به شخص دیگری شود مسئول جبران خسارت نیست اما بایستی توجه نمود که در این گونه موارد هم دستور قانونی باشد و هم آمر یا دستور دهنده به لحاظ قانونی دارای صلاحیت باشد.

در مورد این عنوان معاف کننده ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی قابل توجه است.

نکته:

اگر رابطه بین آمر و مأمور به گونه ای بود که عرفاً سبب قوی تر از مباشر بود در این حالت مسئولیت متوجه سبب یعنی شخص آمر می شود.

۳- اجبار یا اکراه

اکراه موقعیتی است که فردی، شخص دیگری را نسبت به حال، آبرو یا مال خود او یا یکی از نزدیکانش تهدید می کند. در اکراه مسئولیت متوجه مکره است چون سبب اقوی از مباشر محسوب می شود.

اجبار یک درجه از اکراه بالاتر است و شخص مجبور مسلوب الاراده می شود در این موارد هم مسئولیت متوجه شخص اجبار کننده است.

۴- غرور:

قاعده "الغرور یرجع الی من نحره": فریب خورده به کسی که او را فریب داده است ارجاع داده می شود. براساس این قاعده اگر کسی در اثر فریب دیگران خسارتی به فرد دیگری وارد نمود این شخص زیان رساننده مسئول است. ولی خود این شخص هم می تواند به نحرار یا فریب دهنده مراجعه کند و خسارت خود را از او بگیرد.

۵- اضطرار

بین حقوقدانان در این مورد که اضطرار را از عناوین معاف کننده بدانیم یا نه، اختلاف نظر است.

علت اختلاف نظر این است که برای جبران خسارت توسط شخص بایستی فعل او را قابل سرزنش بدانیم یا نه؟

قطعاً کسی که از روی اضطرار باعث خسارت دیگری شده است مسئولیت کیفری نخواهد داشت اما در مورد معافیت از مسئولیت مدنی اختلاف نظر است.

ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی در این مورد قابل توجه است.

اضطرار وضعیتی که انسان را وادار به انجام عملی می کند بدون اینکه عامل تهدید کننده انسانی وجود داشته باشد در اکراه همواره یک عامل خارجی انسانی وجود دارد که انسان را به مجبور به انجام کاری می کند اما در اضطرار وضعیتی است که عامل درونی یا عامل بیرونی غیر انسانی مثل سیل، زلزله و ... انسان را وادار به ایجاد ضرر می کند. برخی گفته اند چون عمل مضطر قابل سرزنش نیست بنابراین مسئولیت مدنی ندارد، اما به نظر ما شخص مضطر فقط از مسئولیت کیفری معاف است و مسئولیت مدنی او باقی است.

اضطرار هر چند شخص را از مسئولیت کیفری تبرئه می کند ولی او را از مسئولیت مدنی معاف نمی کند.

نتیجه:

بطور کلی اگر شخص مضطر به دیگری خسارت وارد کند و از حالت اضطرار خارج شود بایستی خسارت وارده را جبران نماید. مگر اینکه ایراد خسارت او به خاطر مصاعت زیان دیده باشد که در این حالت مسئولیتی متوجه مضطر نخواهد بود.

۶- اجرای حق

شخص در مقام اجرای حق ممکن است مرتکب تقصیر شود و ناگزیر به جبران خسارت ناشی از کار خود گردد در مورد اجرای حق به عنوان یکی از عناوین معاف کننده آن میزانی از ضرر مشمول معافیت شده است که در حوزه متعارف باشد. ماده ۱۳۲ قانون مدنی "کسی نمی تواند در ملک خود تعرض کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد."

نکته:

جایی که شخص اجرای حقی را که باید به طور معمول از دادگاه درخواست کند، خود شخصاً عهده دار شود، یعنی حق خود را بدون رجوع به دادگاه اجرا کند از این بابت نمی توان از او خسارت گرفت.

۷- رضایت زیان دیده

رضایت زیان دیده موقعی مطرح می شود که زیان دیده قبل از وقوع خسارت به شخص عامل زیان رضایت خود را اعلام کند و اگر بعد از ورود زیان رضایت دهد مشمول عنوان گذشت می شود.

در این مورد باید خسارت وارد به اموال را از اشخاص جدا کرد:

- ۱- در مواقعی که خسارت جانی است و به اشخاص وارد می شود و بگونه ای باشد که به جسم انسان صدمه وارد شود رضایت زیان دیده تأثیری در مسئولیت عامل زیان ندارد. قانونگذار ما فقط در مورد پزشک استثناء قایل شده است. (در این مورد ماده ۶۰ و ماده ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی مورد توجه است)
- ۲- اگر خسارت وارده مربوط به اموال باشد توافق دو طرف و اراده مالک را بایستی محترم شمرد اما بایستی توجه داشت که شرط عدم مسئولیت تا جایی نفوذ دارد که عامل زیان عمداً مرتکب ورود خسارت نگردد چرا مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه است.

گفتار دوم: تقصیر

دومین رکن مسئولیت مدنی را فعل زیانبار نام بردیم، برای شکل گیری فعل زیانبار بایستی عنصر تقصیر موجود باشد. در مورد اینکه تقصیر چه تعریفی دارد بین حقوقدانان اختلاف نظر است.

تعاریف تقصیر:

- ۱- تجاوز از تعهدی که شخص بر عهده داشته است.
 - ۲- انجام دادن کاری که شخص، به حکم قرارداد یا عرف، می بایست از آن پرهیز کند یا خودداری از کاری که باید انجام دهد.
- ماده ۹۵۱ قانون مدنی "تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری"
- ماده ۹۵۲ قانون مدنی "تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.
- ماده ۹۵۳ قانون مدنی "تقصیر اعم است از تفریط و تعدی"

نکته:

برای تشخیص تقصیر بهترین معیار داوری عرف است.

تقصیر مفهومی اجتماعی است

از لحن مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی به خوبی بر می آید که در نظر قانونگذار ایران داوری درباره تقصیر جنبه نوعی دارد بدین معنا که کار عامل زیان را با یک انسان متعارف قیاس می کنیم که در همان موقعیت قرار گرفته است. اگر پاسخ منفی

باشد شخص عامل زیان را مسئول می شناسیم، ولی اگر هر انسان متعارفی در چنین موقعیتی این کار را انجام می داد، در این حالت او را مسئول نمی دانیم.

سؤال:

آیا تقصیر برای مسئول شناختن عامل زیان شرط است یا نه؟
با توجه به موازین حقوق ایران در باب اتلاف به هیچ وجه تقصیر را شرط نمی دانیم ولی در باب تسبیب بایستی عنصر عدوانی موجود باشد تا بتوانیم خسارت را بر او تحمیل کنیم.

نکته:

وقتی در یک حادثه شخص را مسئول می دانیم یعنی اینکه ورود خسارت را منتسب به او می دانیم اگر عرف خسارت را به کسی منتسب دانست آن وقت شخص مسئول جبران خسارت است و نه اینکه تقصیر را شرط مسئول شناختن عامل زیان بدانیم.

درجه تقصیر

آیا درجه تقصیر در میزان مسئولیت مؤثر است؟
در حقوق پاره ای از کشورها مانند فرانسه برای تقصیر درجاتی شناخته شده است، تقصیر ممکن است سنگین، سبک یا بسیار سبک باشد، اما این تقسیم بندی در حقوق ایران مبنایی ندارد.
به نظر ما آنچه در مسئول شناختن یا شناختن عامل زیان تعیین کننده است بحث رابطه سببیت و انتساب ضرر است. بنابراین ممکن است تقصیر سبکی از شخص سر بزند ولی عرف ضرر وارده را منتسب به عامل زیان نداند.

تقصیر عمدی و غیر عمدی

تقصیر وقتی عمدی است که شخص به قصد اضرار به دیگری فعل را انجام دهد یا بطور عملی ترک فعل نماید. ولی در تقصیر غیر عمدی، شخص قصد زیان رساندن به دیگری را ندارد ولی در نتیجه غفلت و بی احتیاطی سبب ورود ضرر به دیگری می شود.

چهره های خاص تقصیر

۱) تقصیر در اجرای حق: سؤ استفاده از حق

در حقوق ایران همواره سؤ استفاده از حق ممنوع بوده است.
ماده ۱۳۲ قانون مدنی "هیچ کس نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که به ضرر همسایه باشد، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

۲) تقصیر در خودداری از انجام کار:

گاهی انسان از انجام امری که تکلیف اوست خودداری می کند منشأ این تکلیف ممکن است متفاوت باشد:

الف) گاهی اوقات منشأ این تکلیف قانون است یعنی به موجب قانون شخص مکلف است کاری انجام دهد.

ب) گاهی منشأ این تکالیف قرارداد است یعنی قرارداد شخص را مکلف به انجام برخی امور نموده است.

سؤال: آیا انجام ندادن تکالیف عرفی نیز تقصیر محسوب می شود؟

در پاسخ به این سؤال بین حقوقدانان اختلاف نظر است به نظر ما انسان عرفاً مکلف به انجام کارهایی است که اگر آنها را ترک نماید قانون برای آنها ضمانت اجرا تعیین نموده باشد.

۳) تقصیر شغلی و حرفه ای:

مقصود از تقصیر شغلی و حرفه ای، خطایی است که صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آنان است مرتکب می شوند.

همانطور که گفتیم در حقوق ما آنچه مهم است ایجاد رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیانبار، ما شخص را مسئول می دانیم، با این تفسیر تقصیر شغلی و حرفه ای تفاوتی با تقصیرهای عمومی نمی کند.

سؤال:

اگر شخصی به موجب قانون تکالیفی داشته باشد و نیز به موجب قرارداد تکالیفی داشته باشد آیا زیان دیده می تواند به استناد مسئولیت مدنی غیر قراردادی ادعای خسارت کند؟ به نظر می رسد که انجام این کار منعی ندارد و شخص زیان دیده هم می تواند به استناد قرارداد، مسئولیت مدنی قراردادی را دنبال کند و هم به استناد قانون، مسئولیت مدنی غیر قراردادی را به جریان اندازد.

تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله:

آیا تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله در مسئولیت مدنی مؤثر است یا نه؟
در این حالات فرض می شود که قراردادی وجود دارد و ارتباطی به مسئولیت مدنی غیر قراردادی ندارد.

تعهد به نتیجه: گاهی اوقات متعهد، تعهدی را بر عهده می گیرد و التزام می دهد که حتماً نتیجه حاصل شود.

تعهد بوسیله: شخص متعهد تعهد می کند تمام اقدامات لازم را برای حصول نتیجه انجام دهد تعهدات پزشکان و وکلای دادگستری، تعهد به وسیله می باشد.

تعهد به نتیجه و تعهد بوسیله:

در مواردی که تعهد به نتیجه است عدم حصول نتیجه مساوی است با مقصر بودن متعهد، متعهد اگر نتواند ثابت کند نتیجه حاصل نشده است مسئول جبران خسارت متعهد له می باشد بنابراین بار اثبات بر عهده متعهد است مانند تعهدات پیمانکار ساختمان اما در تعهد بوسیله هر چند متعهد تمام اقدامات را انجام می دهد اما ممکن است نتیجه حاصل نشود در اینجا در مورد اینکه بار اثبات برعهده متعهد است یا متعهد له، اختلاف نظر وجود دارد:

برخی معتقدند در تعهد به وسیله زیان دیده بایستی تقصیر متعهد را ثابت کند اما به نظر ما هرگاه یک شخص در برابر دیگری متعهد می شود اعم از اینکه تعهد به نتیجه باشد یا تعهد به وسیله، اصل بر این است که متعهد به تعهدات خودش عمل نکرده است و مسئول است مگر اینکه بتواند عدم تقصیر خودش را اثبات کند. پس در تعهد به وسیله اثبات بر عهده متعهد است چون اصل بر عدم است.

مبحث سوم: رابطه سببیت

بایستی بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود داشته باشد یعنی ضرر از فعل او ناشی شده باشد. عرف شخصی را مسئول جبران خسارت می داند که خسارت را منتسب به او بداند.

برخی اوقات احراز رابطه سببیت به آسانی قابل اثبات است. اما گاهی اوقات تشخیص این رابطه پیچیده است و اسباب متعددی در ورود خسارت نقش دارند.

نکته: در همه موارد مسئولیت مدنی نیازمند رابطه سببیت هستیم به غیر از مسئله غصب.

وجود رابطه سببیت از ارکان مسئولیت مدنی است، اثبات رابطه سببیت با زیان دیده است و او باید در دادگاه اثبات کند که بین فعل خواننده و ایجاد ضرر رابطه علی و معلولی وجود دارد، گاه نیز خواننده دعوی ناچار است برای اثبات عدم دخالت خود دلیل بیاورد.

تعیین سبب در یک حادثه معین:

اثبات رابطه سببیت همیشه به آسانی صورت نمی گیرد در برخی حوادث عوامل مختلفی حضور دارند و اجمالاً می دانیم که این حادثه از عمل یک عامل ایجاد شده است ولی به طور قاطع نمی توان علت وقوع حادثه را معین کرد. در این مورد نظریات مختلفی ابراز شده است، برخی معتقدند مسئولیت مشترک ایجاد می شود، گروهی دیگر اعتقاد دارند مسئولیت تضامنی مطرح می شود و برخی می گویند که در اینجا بایستی از قاعده قرعه استفاده نمود. بنابراین در برخی جاها با تعدد اسباب روبرو هستیم و بایستی تشخیص دهیم که کدام سبب مسئولیت دارد. وقتی راجع به تعدد اسباب صحبت می کنیم بایستی دو فرض را از هم متمایز نمود:

اسباب طولی:

گاهی اسباب متعدد در طول هم قرار می گیرند یعنی هر سببی بعد از اینکه سبب بعد از خودش را فعال نمود دیگر خودش در حادثه دخالت ندارد.

اسباب عرضی:

گاهی اسباب متعدد هستند ولی در عرض هم عمل می کنند یعنی همراه با هم و در کنار هم باعث ورود خسارت می شوند.

گفتار اول: تعدد اسباب

زمانی که اسباب طولی باشند در این حوزه نظریات مختلفی پیشنهاد شده است:

الف) نظریه برابری اسباب و شرایط

به موجب این نظریه، نباید بین اسباب و شرایطی که زیانی را به بار آورده است تفاوت قایل شد.

قبول این نظریه ما را با مشکلاتی روبرو می کند چون دادرس موظف است همه اسباب را شناسایی کند و این عملاً غیر ممکن است بخصوص در مسائل و حوادث پیچیده که این کار دشوارتر می شود.

ب) نظریه سبب متعارف و اصلی:

در حوزه مسئولیت مدنی نگاه ما، یک نگاه عرفی است و عرف گاهی اسباب جزئی و کوچک را به حساب نمی آورد و اسباب اصلی را مقصر می داند به عبارت دیگر براساس این نظریه حادثه ای سبب است که بطور متعارف و سیر عادی منجر به ورود ضرر می شود، این نظر، نظر خوبی است و قابل تقویت است.

ج) نظریه سبب نزدیک و بی واسطه

وقتی اسباب متعددی در حادثه دخالت داشته باشند مطابق این نظریه تنها نزدیکترین و آخرین سبب مسئول قرار می گیرد و اسباب دورتر فراموش می شود.

(د) نظریه سبب مقدم در تأثیر

این نظریه از فقه امامیه اخذ شده است و در ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی آمده است: "هرگاه دو نفر عدواناً ارتکاب جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی را حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ با چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی برعهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد فقط شخص متعددی ضامن خواهد بود.

نکته:

مطابق نظریه سبب نزدیک و بی واسطه در مثال فوق الذکر حافر چاه مسئول است چون عمل او به حادثه فوت نزدیکتر است.

جمع بندی نظریات پیشنهاد شده:

در خصوص تعیین سبب مسئول هنگامی که اسباب طولی متعدد وجود دارند، بایستی موضوع به داوری عرف گذاشته شود تا سبب متعارف و اصلی مشخص شود.

هر چند سبب مقدم در تأثیر در قانون مجازات اسلامی مطرح شده است ولی این ماده را به طور مضیق تفسیر می کنیم و آن را محدود به جایی می کنیم که سبب مقدم در تأثیر سبب متعارف و اصلی باشد بنابراین خود را مقید به نظریه سبب مقدم در تأثیر نمی کنیم.

اسباب عرض:

در این حالت تمام اسباب مسئول هستند و بایستی خسارت را از همه آنها مطالبه کرد.

ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی: "هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود"

گفتار دوم: اسباب خارجی و اثر آن در مسئولیت

خواننده (عامل زیان) در مقام دفاع از خودش عواملی را مطرح می کند تا خود را از مسئولیت معاف کند:

۱- قوای قاهره (فورس ماژور)

۲- فعل شخص ثالث

۳- تقصیر زیان دیده

البته بایستی به این نکته توجه کرد که دخالت سبب خارجی در همه موارد نیاز به اثبات دارد و بدون دلیل از کسی پذیرفته نمی شود.

الف) قوای قاهره

در قوانین ما مشخصاً قوه قاهره تعریف نشده است اما در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی که مربوط به مسئولیت ناشی از عدم انجام تعهد است می توان مفهوم قوه قاهره را استنباط کرد.

با توجه به مواد فوق الذکر می توان گفت: "قوه قاهره، حادثه ای است خارجی، غیر قابل پیش بینی و احتراز ناپذیر که اجرای تعهد را غیر ممکن می سازد." در حوزه مسئولیت قراردادی اثبات قوه قاهره می تواند رافع مسئولیت باشد، همچنین در حوزه مسئولیت غیر قراردادی زمانی که فرض مسئولیت شده باشد باز هم قوه قاهره یعنی اثبات قوه قاهره رافع مسئولیت خواهد بود در مواردی که فرض تقصیر وجود دارد، اثبات قوه قاهره و اثبات عدم تقصیر می تواند رافع مسئولیت باشد.

اثر دخالت قوه قاهره:

اثر دخالت قوه قاهره را باید در جایی که علت منحصر ورود زیان قوه قاهره می باشد با موردی که قوه قاهره یکی از اسباب ورود زیان است جداگانه بررسی شود. اگر قوه قاهره تنها سبب ورود خسارت باشد با اثبات آن خواننده دعوا از مسئولیت معاف می شود اما در جایی که قوه قاهره یکی از اسباب ورود خسارت به حساب می آید در این حالت عرف قوه قاهره را نادیده می گیرد و عامل انسانی را مسئول جبران همه خسارت خواهد دانست و اثر حادثه خارجی را نادیده خواهد گرفت.

ب) فعل شخص ثالث

در مواردی که فعل شخص ثالث تنها سبب ورود خسارت است اثبات این امر کسی را که به ظاهر مسئول قلمداد شده است معاف می سازد به علت این که در اینجا رابطه سببیت منتفی است و خسارت وارده متسبب به شخص دیگری می شود.

گاهی فعل شخص ثالث علت منحصر حادثه است که در این صورت تمام مسئولیت متوجه شخص ثالث است و گاهی فعل ثالث همراه با عوامل دیگر سبب ورود خسارت شده است در این موارد بایستی براساس اشتراک عمل کرد و ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی عمل می شود "هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود"

نحوه تقسیم خسارت بین مسئولان:

در صورت تعهد اسباب آیا مسئولیت میان مسببین تضامنی است یا اشتراکی؟ یعنی مسئولین در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند یا مسئولیت اشتراکی؟ اگر بگوئیم مسئولیت تضامنی یعنی اگر یکی از مسئولین خواننده دعوا قرار گرفت خود او بایستی تمام خسارت را پرداخت کند پون طبق این نظریه هر کدام از افراد مسئول پرداخت کلیه خسارات هستند. هرچند خود این شخص که خسارت را پرداخت می کند می تواند علیه سایر مسئولین طرح دعوا کند.

اما اگر بگوئیم مسئولیت اشتراکی است یعنی اگر یکی از مسئولین به عنوان خواننده مطرح شد این شخص خوانده، فقط به میزان مسئولیتش، مکلف به پرداخت خسارت است بنابراین در مسئولیت اشتراکی بایستی خسارت را بین مسئولان حادثه تقسیم نمود.

ج) تقصیر زیان دیده

در وقوع هر حادثه، زیان دیده، به گونه ای دخالت دارد و از نظر مادی در تحقق ضرر شریک است اما اگر زیان دیده به نوعی مقصر باشد در این حالت که زیان دیده تقصیر دارد آیا او را مستحق دریافت خسارت می دانیم یا نه؟

در این گونه موارد بهتر آن است که دخالت زیان دیده را به عنوان تداخل اسباب تلقی کنیم و بگوئیم در این گونه موارد در بروز خسارت دو عامل وجود داشته اند و هر دو عامل بایستی خسارت را جبران کنند.

ماده ۱۶۵ قانون دریایی؛ "اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسئولیت هر یک از کشتیها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سرزده است معذک، اگر تشخیص اهمیت تقصیر با شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد، طرفین به نسبت متساوی مسئول خواهند بود..."

نمونه دیگر:

ماده ۳۳۱ قانون مجازات اسلامی "هر کس در محللهایی که توقف در آنجا جایز نیست، متوقف شد یا شیء و وسیله مورد نظر موجب لغزش راهگذر و آسیب کسی شود، مسئول پرداخت دیه صدمه یا آسیب وارده است مگر آن عابر با وسعت راه و محل عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه فقط خسارتی به او تعلق نمی گیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز می باشد"

وقتی دخالت شخص زیان دیده منحصراً باعث ورود خسارت شده باشد در این صورت همه خسارات را شخصاً متحمل خواهد شد اما اگر دلیل مشترک و سبب مشترک به حساب بیاید مشترکاً خسارت را پرداخت می کنند البته در برخی موارد مسئولیت مفروض را در نظر گرفته است مانند مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری.

فصل سوم

مسئولیت‌های خاص و مختلط

مقدمه: اصولاً اشخاص مسئول خساراتی هستند که شخصاً به بار می‌آورند و قاعده این است که هر کس تنها ضامن اعمال خویش است. در حوزه مسئولیت کیفری این اصل به صورت مطلق پذیرفته شده است و اصل شخصی بودن مجازاتها پذیرفته شده است اما این مسئله در حقوق خصوصی و بحث مسئولیت مدنی استثنائاتی دارد:

مبحث اول: مسئولیت ناشی از فعل غیر

مبحث دوم: مسئولیت ناشی از مالکیت با تصرف اموال، که اموال شامل اشیاء و حیوانات می‌شود.

مبحث اول: مسئولیت ناشی از فعل غیر

به طور کلی علت این مسئله در دو جا مطرح می‌شود:

- ۱- گاهی اوقات عامل زیان از عهده جبران خسارت بر نمی‌آید
- ۲- گاهی اوقات افراد تحت نظارت شخص دیگری کار می‌کنند و منافع کار به آن شخص می‌رسد، وظیفه نظارت دارد، و ممکن است افراد منتفع را به نوعی نسبت به عمل زبردستان مسئول بدانیم مانند کارفرمایان.

این موضوع امری خلاف اصل است، البته در قانون مدنی این مسئله بی سابقه نیست و در بحث غصب این وضعیت دیده می‌شود و غاصبان مسئولیت تضامنی دارند.

الف) مسئولیت کارفرما نسبت به اعمال کارگران و کارکنان

به موجب ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی: "کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر این که محرز شود تمام احتیاط‌هایی را که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده یا این که اگر احتیازهای مزبور را به عمل می‌آورند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به وارد کننده خسارت، در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید."

این بحث در نظام حقوقی ما سابقه نداشته است و با تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ وارد حقوق ایران شده است

شرایط تحقق مسئولیت کارفرما:

- ۱- کارفرما بایستی مشمول قانون کار باشد، ماده ۲ قانون کار در تعریف کارگر می گوید "کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق السعی اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می کند" بنابراین کسی را می توان کارگر نامید که به دستور کارفرما و بر طبق تعلیماتی که او می دهد کار می کند؛ تابع کارفرماست و چنان که او می خواهد و به حساب او انجام وظیفه می کند. در حالی که، مقاطعه کار در طرز اجرای خدمتی که به عهده گرفته آزاد است. ابتکار اعمال اجرایی را به دست دارد و سازمان فعالیت خود را کم و بیش به شیوه دلخواه منظم می کند.
- ۲- خسارت ایجاد شده در نتیجه انجام کار باشد و یا به مناسبت انجام کار باشد:

نکته:

در ذیل ماده ۱۲ آمده است، که کارفرما می تواند به عامل زیان مراجعه کند البته در صورتی که بتواند تقصیر آنها را ثابت کند.

کارفرما، مسئول اعمال کارکنان خودش می باشد ماده ۶۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ در تعریف حوادث ناشی از کار می گوید: "... حوادثی است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق می افتد، مقصود از حین انجام وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا مؤسسات وابسته یا ساختمانها و محوطه آن مشغول کار باشد و یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه مأمور انجام مأموریتی باشد اوقات مراجعه به درمانگاه و یا بیمارستان و یا برای معالجات درمانی و توان بخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه اوقات انجام وظیفه محسوب می گردد مشروط بر اینکه حادثه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد، حوادثی که در حین اقدام برای نجات سایر بیمه شدگان آسیب دیده و مساعدت به آنان اتفاق می افتد حادثه ناشی از کار محسوب می شود."

نکته:

آیا ارکان مسئولیت در این مورد هم بایستی موجود باشد؟ بله، بایستی ارکان مسئولیت مدنی در اینجا نیز موجود باشد البته منظور از رابطه سببیت، رابطه سببیت بین عمل کارفرما و ورود خسارت نیست بلکه رابطه سببیت بین فعل کارگر و ورود خسارت مد نظر می باشد.

نکته:

آیا در این مورد فرض تقصیر شده است یا فرض مسئولیت؟ به نظر می رسد در اینجا برای کارفرما فرض مسئولیت شده است و کارفرما مسئول تلقی می شود و تنها اثبات قوه قاهره می تواند او را از مسئولیت معاف کند. چون وقتی محرز شود که

کارگران تمام احتیاطات لازم را به عمل آورده اند معلوم می شود که این حادثه غیر قابل پیش بینی و غیر قابل دفع بوده است که به نوعی مصداق قوه قاهره است و دلیل دیگر اینکه به موجب ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی کارفرمایان موظف هستند مسئولیت خود را بیمه کنند.

امکان رجوع کارفرما به کارگر یا کارمند مسئول:

اگر کارفرما مسئولیت خودش را بیمه کرده باشد و شرکت بیمه خسارت را جبران نماید کارفرما دیگر حق رجوع به کارگران را ندارد ولی شرکت بیمه به عنوان قائم مقام کارفرما بعد از جبران خسارت می تواند به کارگران رجوع کند. اما فرض دیگر این است که کارفرما مسئولیت خودش را بیمه نکرده است در این حالت کارفرما بعد از پرداخت خسارت به زیان دیده حق رجوع به کارگران و با اثبات تقصیر آنها می تواند مطالبه خسارت نماید.

نکته:

در زمینه مسئولیت تضامنی کارگران در برابر کارفرما ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی قابل توجه است.

نکته:

گاهی اوقات کارفرما مسئولیت جبران خسارتی را پیدا می کند که به مناسبت انجام کار و یا در حین انجام کار به خود کارگران خسارت وارد شده است که در این حالت کارفرما موظف به جبران خسارت است و در این مورد مسئولیت ناشی از فعل محسوب نمی شود.

ب) مسئولیت سرپرست یا محافظ صغیر و مجنون:

مطابق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، محجوران ضامن زیانهای هستند که به دیگران وارد می کنند ولی گاهی اوقات این مسئله تا حدودی غیر عادلانه و غیر منطقی است به همین خاطر قانون مسئولیت مدنی در ماده ۷ راهکار دیگری پیش بینی کرده است، "کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب کسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد."

بنابراین در خصوص مسئولیت مدنی سرپرست یا محافظ صغیر و مجنون سه فرض قابل تصور است:

۱- جایی که سرپرست مرتکب تقصیر و کوتاهی شده است و توان مالی هم دارد بنابراین بایستی از اموال خودش خسارت را جبران نماید.

- ۲- جایی که سرپرست مرتکب تقصیر و کوتاهی شده است اما توان مالی برای جبران خسارت ندارد در این گونه موارد بایستی تا آنجا که سرپرست توان مالی دارد از اموال خودش خسارات را جبران کند و مابقی را از اموال صغیر پرداخت کند ولی در هر جبران زیان باید به نحوی صورت بگیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد.
- ۳- سرپرست کوتاهی و تقصیر نکرده است اما خسارت ایجاد شده است در اینجا بایستی شخص مجبور خسارت پرداخت شود.

نکته:

منظور از سرپرست و محافظ صرفاً ولی نیست و حتی مادری که حضانت صغیر را برعهده دارد محافظ و سرپرست محسوب می شود.

ج) مسئولیت دولت و شهرداری ها نسبت به اعمال کارکنان خود

چنانچه شخصی در استخدام شرکتی باشد و تابع قانون کار باشد بایستی از همان ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی پیروی کنیم اعم از اینکه کارفرما، شرکت دولت باشد یا شرکت خصوصی.

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی "کارمندان دولت و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها، که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی را به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند، هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود."

به موجب این ماده دولت و مؤسسات عمومی مسئولیت اعمال کارکنان خود را برعهده نگرفته اند اصولاً این ماده اختصاص به کارمندان دارد و کارگران را مشمول ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نمی دانیم، از طرف دیگر در جایی که دولت به عنوان تاجر وارد عمل شده است این حوزه قطعاً مشمول ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی می شود و دولت به عنوان کارفرما مسئول جبران خسارت هست.

وقتی بخواهیم خسارتها را تا سرحد امکان جبران کنیم و با دولت هم سر و کار داریم بایستی محدوده مسئولیت دولت را تا حدود زیادی توسعه دهیم.

قانون مسئولیت مدنی مقرر نکرده است که مسئولیت ناشی از عمل کارکنان دولت را، خود دولت برعهده بگیرد، به هر حال چون کارمند تقصیر کرده است بایستی خودش جبران کند ولی به هر حال بایستی به نحوی عمل کرد که خسارات جبران شود و دامنه مسئولیت دولت را افزایش دهیم و خود دولت هم می تواند به کارمندان مقصر مراجعه کند.

بخش سوم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی "در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود و دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود."

(د) مسئولیت متصدی حمل و نقل

اصولاً مطابق قانون مدنی ایران متصدی حمل و نقل امین شناخته شده است (ماده ۵۱۶ قانون مدنی) یعنی مسئول جبران خسارت نیست مگر اینکه تقصیر کرده باشد.

پیچیدگیهای حمل و نقل و دگرگونیهای که در این صنعت رخ داد وضعیت مسئولیت متصدی حمل و نقل را دگرگون کرد به همین جهت در ماده ۲۸۶ قانون تجارت برای متصدی حمل و نقل فرض تقصیر شده است:

"اگر مال التجاره تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل البه و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید..."

نکته:

وقتی که مالی به متصدی حمل و نقل سپرده می شود او مسئول حوادثی است که ایجاد می شود اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده باشد یا کس دیگری را مأمور به این کار کرده باشد.

ماده ۲۸۸ قانون تجارت "متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده است، اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد"

مبحث دوم: مسئولیت ناشی از حفاظت و مالکیت اشیاء

آیا صرف مالکیت برای شخص ایجاد مسئولیت می کند یا خیر؟ این موضوع در حقوق ایران بی سابقه است که یک نفر به صرف مالکیت یک شیء مسئولیت خسارات شناخته شود و مواد ۳۲۴ و ۳۲۳ قانون مدنی مؤید این مطلب است. اما با تصویب قوانین مختلف تا حدود زیادی این وضعیت تغییر کرده است.

گفتار نخست: مسئولیتهای ناشی از تقصیر

(الف) مسئولیت ناشی از خرابی بنا

ماده ۲۲۳ قانون مدنی در این زمینه مقرر می دارد که "صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می شود مشروط بر اینکه

خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده است یا از عدم مواظبت او تولید شده است"

ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی به اثر ناتوانی مالک در اصلاح دیوار مشرف به سقوط می پردازد و اعلام می کند: "هرگاه کسی دیواری را در ملک خود بطور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً مایل به سقوط به سمت ملک دیگری شود، اگر قبل از آن که صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب و یا خسارت گردد، چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح یا سهل انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می باشد" بنابراین علی الاصول صرف مالکیت بر دیوار موجب مسئولیت اشخاص نخواهد شد.

ب) مسئولیت مالک یا متصرف حیوان

ماده ۳۲۴ قانون مدنی در این زمینه مقرر می داد: "مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود"

در خصوص مسئولیت مدنی مالک حیوان بایستی گفت: مطابق ماده ۳۳۴ قانون مدنی مسئولیتی متوجه متصرف و مالک نیست مگر اینکه تقصیر کرده باشد علاوه بر این مطابق قاعده اثبات برساند در قانون مجازات اسلامی موارد متعددی دیده می شود که حکم قانون مدنی در این زمینه را تأیید می کند ولی در ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی یک وضعیت استثنایی دیده می شود و علت آن بدین خاطر است که صاحب خانه ضامن ایمنی کسی است که با اذن به خانه او آمده است.

ج) مسئولیت در املاک مجاور

گاهی اوقات اشخاص در ملک خود تصرفی می کنند اما خساراتی به املاک مجاور وارد می شود در اینجا سئوال این است که قاعده تسلیط را حاکم بدانیم یا قاعده لاضرر را؟

قاعده تسبیط: الناس مسلطون علی الموالهم

قاعده لاضرر: لاضرر و لاضرار فی الاسلام

این دو قاعده در مقام اجرا مزاحم یکدیگر می شوند بنابراین تعارض با هم ندارند بلکه تزاحم دارند. قاعده لاضرر به این دلیل که جنبه اجتماعی دارد و به حقوق افراد جامعه بر می گردد و بنابراین جنبه رجحان قاعده لاضرر قوی تر است. اصل چهلم قانون اساسی "هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد"

شرایط معافیت از مسئولیت:

ماده ۱۲۲ قانون مدنی: "کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدرت متعارف و برای رفع حاجت با رفع ضرر از خود باشد. بنابراین مالک تنها در صورتی از مسئولیت معاف می شود که این دو شرط فراهم آید:

۱- تصرف به قدر متعارف باشد

۲- برای رفع حاجت یا دفع ضرر از مالک باشد.

بنابراین اگر تصرف متعارف باشد ولی به قصد ضرر باشد باز هم مالک دارای مسئولیت است.

ماده ۲۵۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: "هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می نماید یا بداند که به جای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود، عهده دار آن خواهد بود اگرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد.

گفتار دوم: مسئولیت دارندگان اتومبیل

امروزه صرف نگهداری بسیاری از وسایل خطرناک است از جمله این وسایل اتومبیل است. امروزه این اعتقاد بوجود آمده است که باید درباره مسئولیت مدنی ناشی از رانندگی راه تازه ای را در پیش گرفت، نظامهای سنتی را رها کرد و بیشتر در اندیشه ضرورتهای اجتماعی بود.

در قانون مسئولیت مدنی برای وسایل نقلیه چاره اندیشی نشده بود ولی در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی سال ۱۳۴۷ اعلام شده است که: "کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه آهن، اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود..."

این حکم استثناء بر قاعده کلی است که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی اعلام شده و به همین جهت نباید آن را بوسیله قیاس در موارد مشابه نیز اجرا کرد.

الف) مبنای مسئولیت

درباره مبنای حقوقی مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری، نظریات گوناگونی ابراز شده است:

۱- فرض تقصیر

۲- تقصیر حفاظت

۳- ایجاد خطر

۱- فرض تقصیر:

منظور از فرض تقصیر اماره تقصیر است یعنی شخص دارنده وسیله نقلیه مقصر فرض می شود مگر اینکه بتواند خلاف آن را ثابت کند.

فرض تقصیر با این ایراد اساسی روبرو است که اگر مفهوم ماده یک قانون بیمه اجباری تنها ایجاد ماده تقصیر به زیان دارنده اتومبیل بوده اثبات خلاف آن نیز امکان داشت زیرا طبق ماده ۱۳۲۳ قانون مدنی اماره قانونی در صورتی معتبر است که دلیلی برخلاف آن موجود نباشد در حالی که مسئولیت پیش بینی شده در قانون بیمه مطلق است و دارنده اتومبیل با اثبات بی تقصیری خود نیز از مسئولیت معاف نمی شود. بنابراین مبنای فرض تقصیر برای مسئولیت دارنده را بایستی مردود دانست.

۲- تقصیر حفاظت

مبنای دیگر تقصیر حفاظت است، بدین معنی که هر دارنده ای متعهد است محافظت کافی از وسیله نقلیه خود بنماید تا خسارتی به دیگران وارد نشود. و اگر از وسیله او خسارتی به دیگران وارد گردد شخص دارنده مسئول است و در واقع نوعی تعهد به نتیجه است این نظریه قابل دفاع نیست چون تعهد به نتیجه بایستی در یک قرارداد آمده باشد و اینجا قراردادی موجود نیست.

۳- نظریه ایجاد خطر:

بدین معنی که هر کسی که وسیله نقلیه موتوری را در اختیار دارد با ایجاد یک محیط خطرناک باعث ورود خسارت به دیگران می شود و قانونگذار هم برای جبران خسارت ناشی از این محیط خطرناک او را مسئول دانسته است و اثبات بی تقصیر نیز مؤثر نخواهد بود.

در اینجا می توانیم این مبنا را تحت عنوان فرض مسئولیت بشناسیم در این صورت مسئولیت دارنده وسیله نقلیه فقط زمانی از بین می رود که قوه قاهره وجود داشته باشد و رابطه سببیت از بین برود، البته همانطور که قبلاً گفتیم فعل شخص ثالث و تقصیر زیان دیده را در حکم قوه قاهره می دانیم.

مفهوم شخص ثالث و دارنده:

عنوان شخص ثالث به این دلیل در اینجا به کار رفته است که، یک شخص که صاحب وسیله نقلیه است آن را بیمه می کند به این شخص بیمه گذار و شرکت بیمه را بیمه گر می دانیم و اشخاص زیان دیده از وسیله نقلیه به سایرین وارد شود توسط شرکت بیمه پرداخت می شود و اشخاص زیان دیده از وسیله نقلیه نسبت به بیمه گذار (دارنده) و بیمه گر (شرکت بیمه) شخص ثالث تلقی می شوند.

اما قانونگذار مفهوم شخص را از گروهی برداشته است:

به موجب ماده ۲ قانون بیمه اجباری: "کلیه اشخاصی که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی یا مالی می شوند، از لحاظ این قانون ثالث تلقی می شوند، به استثنای اشخاص زیر:

- الف- بیمه گذار، مالک یا راننده وسیله نقلیه مسئول حادثه
- ب- کارکنان بیمه گذار مسئول حادثه حین کار و انجام وظیفه
- ج- همسر و پدر و مادر و اولاد و اولاد و اجداد تحت تکفل بیمه گذار در صورتی که سرنشین وسیله نقلیه ای باشند که راننده یا بیمه گذار مسئول حادثه باشد.

تبصره: در صورت تصادف دو وسیله نقلیه، رانندگان وسایل مزبور نیز برابر یکدیگر شخص ثالث محسوب می شوند اعم از اینکه مالک وسیله نقلیه باشند یا نباشند.

دارنده وسیله نقلیه:

آیا دارنده کسی است که وسیله نقلیه را در تصرف دارد یا اینکه مقصود از دارنده مالک وسیله نقلیه است و یا اینکه هر دو را شامل می شود؟ آنچه قوی تر به نظر می رسد این است که بگوئیم منظور از دارنده وسیله نقلیه مالک آن است به همین خاطر است که ماده ۲ قانون بیمه اجباری می گوید "هرگاه وسیله نقلیه به غیر منتقل شود از زمان انتقال به غیر کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه به منتقل الیه وسیله نقلیه منتقل می شود."

تصادم وسیله نقلیه:

در بحث بیمه اجباری وسایل نقلیه شرکت بیمه در صورتی خسارت زیان دیده را پرداخت می کند که بر طبق قواعد کلی مسئولیت مدنی را وارد کننده زیان مسئول شناخته شود.

اما در مورد تصادم وسایل نقلیه بایستی گفت، تصادم دو وسیله نقلیه شایعترین صورتی است که در آن اثر تقصیر زیان دیده مطرح می شود.

ماده ۲۲۵ قانون مدنی "در صورتی تصادم بین دو کشتی یا دو قطار یا دو اتومبیل و امثال آنها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا سامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا سامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود"

قاعده تقسیم مسئولیت:**اجرای قاعده در فرضهای گوناگون:**

فرض اول: راننده هیچ یک از دو وسیله تقصیر ندارد:

وقتی هیچ یک از طرفین مقصر نباشد ممکن است سبب خارجی مانند قوه قاهره سبب ورود خسارت شده باشد که در این حالت جبران خسارتی صورت نخواهد گرفت.

اما اگر شخص ثالثی خسارت را ایجاد کرده باشد شخص ثالث بایستی جبران خسارت کند به موجب ماده ۳۶۶ قانون مجازات اسلامی "هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و به علت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند، سبب ضامن خواهد بود" اما اگر هیچکدام مقصر نباشند، ولی رابطه علیت عرفی مستقیم بین فعل آنها و ورود ضرر وجود دارد:

در اینجا هیچکدام مقصر نیستند از باب اتلاف موظف به جبران خسارت هستند و هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود. این مسئله در ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است.

فرض دوم: تصادم در نتیجه تقصیر یکی از دو راننده اتفاق افتاده باشد

در این صورت بر طبق ماده ۳۳۵ قانون مدنی و ماده ۱۶۴ قانون دریایی، مسئولیت تصادم بر عهده فرد مقصر است و عرف هم حادثه را به طرف مقصر منتسب می کند.

فرض سوم: تصادم در نتیجه تقصیر هر دو طرف واقع شده باشد

در این فرض بحث از تقسیم مسئولیت به میان می آید و نظریات گوناگونی مطرح شده است:

نظر اول: راننده هر وسیله مسئول خساراتی را که به طرف دیگر وارد شده می پردازد.

نظر دوم: هر راننده نیمی از خسارات طرف مقابل را بپردازد.

نظر سوم: مجموع خسارت به نسبت درجه تقصیر هر یک از طرفین تقسیم می شود. اما آیا می توان میزان دخالت را تشخیص داد؟

نکته: اگر سه وسیله نقلیه با هم تصادم کنند و هر سه مقصر باشند هر سه بایستی خسارت را عهده بگیرند و هر کدام $\frac{1}{3}$ خسارت دو طرف دیگر را می پردازند.

جمع بین قوانین مدنی و کیفری و بیمه:

مهمترین پرسشی که مطرح می شود این است که چگونه می توان حکم ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۳۵ قانون مدنی را از یک سو و ماده اول قانون بیمه اجباری را از سوی دیگری با هم جمع کرد؟

به نظر ما هر کدام از این قوانین بیان کننده یک قاعده ماهوی هستند به عبارت دیگر اگر دو وسیله نقلیه موتوری را از باب اتلاف مسئول تلقی کنیم هیچ گزندی به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نخواهد رسید چون بحث ماده مذکور ناظر بر تسبیب است اما اگر بخواهیم این بحث را در برخورد با قانون بیمه اجباری مورد مذاقه قرار دهیم با ز هم بایستی توجه نمود که حتی در قانون بیمه اجباری نیز بایستی همه ارکان مسئولیت از جمله رابطه سببیت موجود باشد.

جمع بندی:

وقتی در یک حادثه هر دو طرف مقصر هستند و خسارت به هر دو منتسب است، بنابراین مسئولیت هر یک براساس قانون مجازات اسلامی نصف خسارت دیگری است یعنی وقتی مسئولیت شخص بیمه گذار ثابت باشد آن وقت شرکت بیمه مسئول است البته در صورتی که شخص بیمه گذار مسئولیت خودش را بیمه کرده باشد.

فصل چهارم

آثار مسئولیت مدنی

مقدمه: بعد از وقوع فعل زیانبار و احراز رابطه سببیت، شخص مسئول چه وظیفه ای در برابر زیان دیده بر عهده دارد؟ در صورتی که تمام شرایط و ارکان مسئولیت مدنی جمع باشد، زیان دیده حق پیدا می کند که جبران خسارتی را که به او وارد شده است بخواهد و عامل ورود زیان ملزم خواهد شد تا ضرری را که به بار آورده است جبران کند.

دعوی جبران خسارت یکی از مهمترین مسائلی است که در حقوق مدنی و حقوق جزا به اشتراک طرح می شود و ارتباط این دو رشته حقوقی را که هر روز در جدا ساختن آنها اقدام تازه ای صورت می گیرد تأمین می سازد.

نکته: بحث ما در مورد آثار مسئولیت های مدنی غیر قراردادی است.

مبحث اول: جبران خسارت

در حوزه مسئولیت مدنی آنچه اهمیت دارد اعاده وضعیت پیشین است. بنابراین در بسیاری از موارد راههای جبران خسارت به گونه ای پیش بینی شده است که وضعیت پیشین اعاده شود، مادامت ماده ۳۱۱ قانون مدنی "غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید..."

تا زمانی که عین مال موجود باشد، نه غاصب می تواند مال دیگری را به جای آن به مالک بدهد و نه مالک می تواند الزام غاصب را به پرداختن پول و یا تسلیم مال دیگر از دادگاه بخواهد.

همچنین ماده ۳۲۹ قانون مدنی "اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت بر آید" در این مواد آنچه مورد نظر قانونگذار است "اعاده وضعیت پیشین" است. در مواردی که عامل ورود زیان به کاری دست می زند که بطور مستمر وسیله اضرار می شود، از بین بردن این وسیله بهترین راه جبران ضرر است.

گفتار نخست: شیوه های جبران خسارت

جبران ضرر را از راه دادن معادل:

معادل آنچه زیان دیده از دست داده است به سه وسیله داده می شود:

- ۱- دادن مثل
- ۲- پرداخت قیمت
- ۳- دادن بدل

۱- دادن مثل:

در صورتی که مال تلف شده مثلی باشد مسئول تلف باید مثل آن را بدهد در واقع مسئول تلف عهده دار تهیه مثل است و مالک نیز نمی تواند قیمت آن را مطالبه کند.

۲- پرداخت قیمت:

در صورت اتلاف اموال قیمی بایستی قیمت پرداخت شود مگر اینکه توافقی صورت بگیرد.

۳- دادن بدن (بدل حیلوله):

معمولاً وقتی مالی غصب می شود و در مکانی قرار می گیرد که دسترسی به آن ممکن نیست ولیکن می دانیم که تلف نشده است البته این حالت خود شامل دو فرض می شود:

حالت اول: زمانی که مال در جایی قرار گرفته است که دسترسی به آن عرفاً غیر ممکن است در این حالت عرف آن را در حکم تلف می داند.

حالت دوم: گاهی مال در وضعیتی قرار می گیرد که هر چند دسترسی به آن ممکن نیست اما می دانیم که بعد از مدتی می توان به آن دسترسی پیدا کرد در این حالت عین موجود است ولی دسترسی به آن متعذر است و برای حفظ منافع مالک مالی را در اختیار او قرار می دهیم که به آن مال "بدل حیلوله" اطلاق می شود.

نکته: بدل حیلوله ملک شخص مغضوب منه نمی شود و به مالکیت او در نمی آید بلکه مال در نزد او امانت است و اگر مال بدون تعدی و تفریط نزد او تلف شود، مسئول نیست.

گفتار دوم: تعیین میزان خسارت

نکته: وقتی راجع به مسئولیت مدنی و جبران خسارت صحبت می کنیم چندان به بحث غصب و برگرداندن عین مال نظر نداریم بلکه بحث ما جایی است که مال نزد غاصب تلف شده باشد و یا اینکه مال به علت اتلاف و یا تسبیب از بین رفته باشد.

سؤال: وقتی مال نزد غاصب تلف شده قیمت کدام روز را باید بپردازد؟

آنچه در قانون مدنی آمده است: "وقتی که مال قیمی باشد و نزد غاصب تلف شود او بایستی قیمت روز تلف را بدهد، زیرا در این تاریخ است که مسئولیت غاصب از رد عین تبدیل به پرداختن قیمت می شود.

اما وقتی مال مثلی باشد و تلف گردد غاصب باید مثل آن را بدهد و تبدیل به قیمت نمی شود اما اگر در آن شرایط خاص مال مثلی وجود نداشت در این حالت بایستی قیمت حین الاداء پرداخت گردد.

ماده ۳۱۲ قانون مدنی "هرگاه مال مغضوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت را بدهد."

مکان معتبر برای ارزیابی خسارت:

اصولاً قیمت مال مغضوب براساس قیمت جایی است که غصب در آنجا صورت گرفته تعیین می شود. البته اگر مال مغضوب از شهری به شهر دیگر متفاوت باشد و غاصب مال را به شهر دیگری منتقل کرده باشد، هنگام احتساب قیمت باید به گونه ای عمل کرد که ضرر مغضوب منه را جبران کند و وضعیت زیان دیده به حالت قبل از ورود ضرر برگرداند.

نکته: نباید جبران خسارت به گونه ای باشد که به افزایش دارایی منجر شود.

ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد:

دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد. جبران زیان را به صورت مستمری نمی شود تعیین کرد مگر اینکه تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا قانون آنرا تجویز کند.

آنچه در باب مسئولیت مدنی اهمیت دارد این است که قانونگذار درصد جبران زیانهای وارده بوده است اما به هر حال زندگی اجتماعی توأم با تقصیراتی است که در بسیاری از آنها عمدی وجود ندارد و در این حالات نمی خواهیم این جبران سبب عبرت دیگران شود بنابراین بایستی تا حدودی وضعیت کامل زیان را نیز مدنظر قرار دهد.

ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی در این زمینه قابل توجه است.

نکته: در حوزه مسئولیت مدنی هیچگاه نباید به دنبال عبرت گرفتن دیگران باشیم بلکه صرفاً بحث حقوق افراد مطرح است و تا حد امکان بایستی خسارت زیان دیده جبران شود و اگر عامل زیان چیزی نداشت او را رها می کنیم.

گفتار سوم: راههای تأمین جبران خسارت

برای اینکه خسارتی جبران نشده باقی نماند قانونگذار تمهیدهای گوناگونی اندیشیده است:

۱- ایجاد مسئولیت تضامنی

۲- بیمه اجباری مسئولیت

۳- تأسیس صندوق تأمین خسارت بدنی

۱- ایجاد مسئولیت تضامنی:

مسئولیت تضامنی استثنایی است و محتاج تصریح قانونگذار است، مانند: ماده ۳۱۸ قانون مدنی و ذیل ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی.

۲- بیمه اجباری مسئولیت :

بیمه یک نوع تعاون اجتماعی است و نوعی تجارت است، در واقع هزینه ها از جیب افراد بیمه گذار پرداخت می شود ولی در برخی موارد قانونگذار بیمه را اجباری می کند و آن در مواقعی است که احتمال خطر زیاد است.

مثال اول: در خصوص وسایل نقلیه موتوری این موضوع صدق می کند به موجب ماده ۱ قانون سال ۱۳۴۷ این بیمه مسئولیت اجباری است و مأموران شهرداری می توانند از حرکت وسایلی که بیمه نشده اند جلوگیری کنند.

مثال دوم: بیمه اجباری مسئولیت کارفرما نسبت به خسارات ناشی از کار به اشخاص ثالث (ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی)

مثال سوم: بیمه اجباری کارگران در برابر حوادث ناشی از کار: به موجب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی "کارفرمایان موظفند کارگران خود را صرفنظر از نوع کار و ترتیب استخدام و نحوه پرداخت مزد یا حقوق (اعم از نقدی یا غیر نقدی) نزد سازمان بیمه نمایند"

۳- تأسیس صندوق تأمین خسارت بدنی:

به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی: "برای جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد یا بطور کلی برای جبران خسارتهای خارج از شرایط بیمه نامه (بدون استثنای موارد مصرح در ماده ۴) صندوق مستقلی به نام "صندوق تأمین خسارتهای بدنی تأسیس می شود که به وسیله شرکت سهامی بیمه ایران اداره خواهد شد.
نکته: در خصوص خسارتهای مالی نمی توان از محل این صندوق استفاده کرد.

مبحث دوم: اثر قراردادهای در مسئولیت

اگر مسئولیتی را محرز بدانیم آیا می توان با قراردادهای خصوصی این مسئولیت را بر طرف کنیم یا خیر؟

این قراردادهای را می توان به دو گروه متمایز تقسیم کرد:

- ۱- قراردادهایی که پس از ورود ضرر بین مسئول جبران آن و زیان دیده بسته می شود و میزان خسارت و چگونگی جبران آن را معین می سازد.
- ۲- قراردادهای که پیش از ورود خسارت بسته می شود و طرفین درباره زیانهای احتمالی آینده تصمیم می گیرند.

در مورد گروه اول، بایستی گفت: نفوذ صلح بعد از ورود خسارت مورد قبول حقوقدانان قرار گرفته است و چنین صلحی نافذ است.

اما در مورد گروه دوم یعنی جایی که قرارداد پیش از ورود خسارت بسته می شود، خود به دو قسم تبدیل می شود:

الف) شرط عدم مسئولیت

ب) وجه التزام

گفتار اول: شرط عدم مسئولیت

قراردادهایی که بین مسئول و زیان دیده احتمالی آینده بسته می شود و به موجب آن مسئول از پرداختن تمام یا بخشی از خسارت معاف می گردد.

سؤال: آیا چنین قراردادی از لحاظ حقوقی مؤثر است؟ آیا چنین قراردادی با نظم عمومی منافات دارد یا نه؟

برخی ایراد گرفته اند که شرط عدم مسئولیت نوعی ابراء است و بنابراین حتماً بایستی دین موجد باشد، در حالیکه اینجا دین بوجود نیامده است. بنابراین شرط عدم مسئولیت قابل قبول نیست و نفوذ حقوقی ندارد.

ایراد دوم اینکه: مسئولیت مدنی که در نتیجه اعمالی مانند شبه جرم و شبه عقد و ... به بار می آید مربوط به نظم عمومی است و نمی توان با قراردادهای خصوصی آنها را مرتفع نمود.

پاسخ ایراد اول: قیاس شرط عدم مسئولیت و ابراء قیاس مع الفارق است چون موضوعات متفاوتی دارند.

پاسخ به ایراد دوم: اگر زیان دیده پس از ورود آن همیشه بتواند از حق خویش بگذرد چرا این اجازه را نباید پیش از ورود خسارت برای او شناخت؟!

شروط نامشروع:

با اینکه شرط عدم مسئولیت اصولاً با عقل و نظم عمومی منافات ندارد، در دو مورد باید آن را نامشروع و بی اثر دانست:

- ۱- در موردی که موضوع قرارداد مسئول نبودن نسبت به زیانهای وارد به شخص است خواه خسارت مربوط به سلامت جسمی او باشد و یا آزادی و حقوق مربوط به شخصیت.
- ۲- در مواردی که شخص به عمد باعث ورود خسارت می شود و آگاهانه به اعمالی دست می زند که در نظر عرف در حکم عمد است استناد به شرط عدم مسئولیت در این موارد غیر معتبر است و با نظم عمومی مغایرت دارد.

گفتار دوم: شروط کیفری (وجه التزام)

شرط کیفری توافقی است که به موجب آن طرفین میزان خساراتی را که در صورت عدم اجرای قرارداد یا ایجاد ضرر باید پرداخت شود از پیش معین می سازند بنابراین برخلاف شرط محدود کنند. مسئولیت که تنها حداکثر میزان خسارت را تعیین می کند در این گونه شروط مبلغ آن بطور مقطوع معین می شود.

ماده ۲۳۰ قانون مدنی "اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند"

نکته: در سیستم حقوقی ایران موضوع تعدیل وجه التزام به رسمیت شناخته نشده است وقاضی یا دادرس نمی تواند وجه التزام را تعدیل کند.

تکمله:

بخش دوم کتاب وقایع حقوقی در مورد غصب، استیفای ناروا، اداره فضولی مال غیر است.

همانطور که قبلاً گفتیم هدف ما از پرداختن به مباحث مسئولیت مدنی، ساخت مباحث مربوط به جبران خسارت است، و قصد وارد شدن در مباحث غصب، استیفای ناروا و اداره فضولی مال غیر را نداریم، این موارد ضمان قهری هستند ولی مسئولیت مدنی به معنای جبران خسارت به شمار نمی رود، بنابراین وارد این مقوله نمی شویم. ولی توصیه می شود به عنوان مطالعه جنبی، حتماً این قسمت را مورد توجه قرار دهید.

دانشجویان گرامی می توانند برای تکمیل مباحث مربوط به مسئولیت مدنی، کتب زیر را مطالعه نمایند:

- ۱- اصول مسئولیت مدنی ← نوشته پاتریس ژوردن ← ترجمه حمید ادیب
- ۲- مسئولیت مدنی ← نوشته میشل لوراسا ← ترجمه دکتر محمد اشتری
- ۳- مسئولیت مدنی ← حسینعلی حسینی نژاد

با آرزوی توفیق